

## زینت در اندیشه دینی<sup>۱</sup>

حسین رحیمی  
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

### چکیده

سرشت انسان او را به سوی آزادی، کمال خواهی، زینت و جمال دوستی سوق می‌دهد. و انسان فطرتاً زیبایی چهره و آرایش عالی و پوشش نیکو را دوست دارد و همواره در عرصه حیات، آن را به کار می‌گیرد. پوشش و آرایشی که موجب زینت و زیبایی انسان است، مورد تأکید شریعت نیز می‌باشد؛ هر چند برای آن حدود و ثغوری معین شده است. مقاله حاضر به موضوع زینت در اندیشه دینی بر اساس مستندات و متون فقهی پرداخته است، و ضمن بیان واژه زینت، موضوعاتی از قبیل کیفیت نگاه، فلسفه عدم تشبه، لباس شهرت در زینت و لباس و نقش نگاه در پاکدامنی و بالعکس، احکام اجتماعی نگاه و نوع ستر را مورد توجه قرار داده است. طرح این موارد از آن جهت ضروری است که انسان همواره در سعی و تلاش است تا بدور از زشتی و پلشتی‌ها، نیکو و پسندیده باشد و خود را نیکو و موجه بنمایاند و زندگی خویش را از آراستگی و پیراستگی مناسب برخوردار سازد. در هر حال، وجدان انسان زینت‌گرا و زیبا طلب، در پی تنظیم و تکریم خداوند با جمالی است که در حکمت خلقت و جمال آفرینش، بی‌همتاست.

---

۱- کار ارزیابی مقاله در تاریخ ۸۳/۱۰/۱۳ آغاز و در تاریخ ۸۳/۱۰/۲۳ به اتمام رسید.

## واژگان کلیدی

زینت، طلا، حریر، تشبیه، نگاه

از جمله مسائلی که از آغاز خلقت تاکنون به عنوان یکی از نیازهای اساسی و روحی نسان مطرح است، زیبایی و زینت‌گرایی است. زینت و زیبایی در نظام خلقت و نظم حاکم و قانون‌گذاری شده در آن، نمایانگر نظام تحسین و تکریم است؛ **إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا؛** «ما آنچه را که بر روی زمین است، زینت آن قرار داده ایم» (کهف، ۷)، **فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَبَابًا وَأَثَابًا** «باغهایی شاداب و بهجت آفرین رویاندیم» (نمل، ۶۰)، **لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزِينَاتٍ** «و در آسمان کاخهای بلند افراشتیم و آنها را برای بینندگان بیاراستیم» (حجر، ۱۶)، **وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ؛** «آسمان دنیا را با چراغهایی زینت بخشیدیم» (ملک، ۵)، **أَنَا زِينَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بَزِينَةِ الْكَوَاكِبِ** «آسمان دنیا را، به زینتی که هر یک کواکبی است، آراستیم» (صافات، ۶)، و همچنین در مورد دریا عرصه حیات و زینت می‌فرماید **تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا؛** «از زیورهای آن (دریا) مانند دُرِّ و مرجان استخراج کرده و خویش را بیارایید» (نحل، ۱۴؛ فاطر، ۱۲).

پس موضوع زینت بیانگر روح طراوت و شادابی در عرصه حیات است و زینت واقعی در دنیا مایه درک معرفت انسان به سوی کمال حقیقی است.

همین قانون و ضابطه‌مندی حاکم بر نظام خلقت، زینت و زیبایی با شکوه و هدفمندی را برای انسان که اشرف مخلوقات عالم است به ارمغان می‌آورد، تا آدمی از نعمت زینت بهره‌افری برد و آن را سر لوحه کار خویش قرار دهد.

در اندیشه دینی هم به زیور و زینت ظاهری<sup>۱</sup> افراد اهتمام ورزیده شده و هم به زینت باطنی آنها، آن جا که خداوند می‌فرماید **يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛** «ای فرزندان آدم، به هنگام حضور در مساجد (و شرکت در اجتماع مسلمین) زینت خود را بگیرید» (اعراف، ۳۱)؛ اما در جای دیگر می‌فرماید **وَلَا يَبْدِيَنَّ زِينَتَهُمْ؛** و ما یخفین من زینتھن؛ «زینت و آرایش خود

۱- مصادیق زینت ظاهری در قرآن: المال و البنون زینة الحیوة الدنیا؛ «دارایی و فرزندان، آراستگی زندگی دنیوی هستند» (کهف، ۳۶)؛ فمتاع الحیوة الدنیا و زینتها؛ «آنچه در دنیا به شما عطا شده است، بهره‌ای از زندگی دنیوی و پیرایه آن است» (قصص، ۶۰)؛ آیات کریمه دیگری نیز بدین مضمون آمده است؛ (یونس، ۸۱؛ کهف، ۲۸؛ هود، ۱۵؛ احزاب، ۲۸؛ حدید، ۲۰؛ بقره، ۲۱۲).

را آشکار نسازید؛ و زنان آن طور پای بر زمین نزنند که خلخال و زینت پنهان پاهایشان آشکار شود» (نور، ۳۰-۳۱).

در مورد نگاه کردن مرد و زن به یکدیگر در روایت اسلامی آمده است؛ مرد می‌تواند به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، به دقت نگاه کند و مو و زیبایی‌هایش را ببیند (الحر العاملی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۴، ص ۶۰). اما خداوند در قرآن کریم، زن و مرد اجنبی را، از نگاه کردن نهی می‌فرماید **يَغْضُوبُ مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ وَيَغْضُوبُ مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛** «ای رسول ما به مردان و زنان مؤمن بگو، تا چشم از نگاه بپوشند» (نور، ۳۰-۳۱).

در این باب سؤالاتی مطرح می‌شود که قابل تعمق و تأمل است؛ آیا زینت و زیبایی انسان باید به منصفه ظهور در آید؟ یا شریعت ظاهر نمودن آنها را منع کرده است؟ آیا هر نوع زینت و زیبایی ممنوع است؟ چرا زینت کردن به واسطه طلا و لباس حریر، در دنیا برای مردان حرام است؟ در حالی که برای زنان مطلقاً جایز است.

حال اگر نگرش‌ها متفاوت شد و نگاه‌ها متعارف، آن وقت کیفیت نگاه و نظر چگونه است؟ چرا آدمی از استمرار نگاه به برخی انسان‌های زیبا و با زینت در دنیا منع شده است؟ پژوهش حاضر بر آنست، تا به این نوع از پرسش‌ها، در خلال مباحث پاسخ‌های مناسب ارائه نماید.

## واژه شناسی زینت

### الف - معنای لغوی زینت و زیبا

صاحب معجم مقاییس در تعریف زین می‌گوید:

**«اصل صحیح يدل على حسن الشيء وتحسينه»** (احمد بن فارس، بی‌تا، ص ۴۴۵). در لسان العرب آمده است، زین؛ هم به معنای زینت و هم به معنای زشتی می‌آید (یعنی، زشتیها را به گمان خویش آراسته دیدن) (ابن منظور، ۱۹۱۷م، ج ۳، ص ۲۲۲)؛ دهخدا می‌گوید زینت از «زینه» عربی است و به معنای آرایش، زیب، آراستن، حلیه، زبرج، پیرایش، پیرایه و زخرف می‌آید (دهخدا، ۱۳۷۴، ج ۱، ذیل زینت). و همچنین زینت به معنای خوشنما بودن، آراستگی و آنچه در نظر خوش جلوه کند نیز آمده است (قریشی، ۱۳۷۸، ج ۳ و ۴، ص ۱۹۵؛ شوشتری، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴).

## زیبا به چه معناست؟

- ۱- زینده، شایسته، زیبای گاه (شایسته تخت سلطنت).
  - ۲- نیکو، جمیل، قشنگ، خوشگل، مقابل زشت، بدگل (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ذیل زیبا).
- زیبا یعنی هر چیز خوب و با ملاحظت و نیکو و آراسته. و همچنین به معنای درخور، لایق، سزاوار، برازنده و زینده است (دهخدا، ۱۳۷۴، ذیل واژه).

## ب- معنای اصطلاحی زینت و زیبایی

- صاحب مفردات گوید زینت اصلی و راستین، آن چیزی است که انسان را در هیچ یک از حالاتش نه در دنیا و نه در آخرت آلوده و ناپاک نمی‌سازد.
- یعنی آراستگی ظاهری، باطنی، دنیوی، فکری، اخلاقی، ایمانی، عملی و بالاخره زینت حقیقی؛ یعنی، به سوی کمال مطلق بودن در همه ابعاد وجودی.
- زینت در کوتاه سخن بر سه گونه است:
- ۱- زینت و آرایش نفسانی؛ مانند علم و اعتقادات نیکو (باورهای درست).
  - ۲- زینت بدنی؛ مثل نیرومندی و بلندی قامت.
  - ۳- زینت خارجی؛ یعنی به وسیله چیزی جدا از انسان مثل مال و مقام<sup>۱</sup> (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۷).

## زیبایی<sup>۲</sup> (زیبیدن)

حالت و کیفیت زیبا عبارت است از نظم و هماهنگی که همراه عظمت و پاکی، در شیئی وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد و آن امری است نسبی (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ذیل واژه).

۱- آیات کریمه فراوانی با مضامین مختلف در این زمینه آمده است: (حجرات، ۷: اعراف، ۳۲: قصص، ۶۰-۷۰؛ نمل، ۴-۲۴؛ انعام، ۴۳؛ ا، ۱۰۸، ۱۲۲، ۱۳۷؛ رعد، ۲۳؛ انفال، ۴۸؛ حجر، ۱۶، ۳۹؛ نحل، ۸-۶۳؛ عنکبوت، ۳۸؛ آل عمران، ۱۴؛ توبه، ۳۷؛ فاطر، ۸؛ محمد، ۱۴؛ غافر، ۳۷؛ بقره، ۲۱۲؛ یونس، ۱۲-۸۸؛ کهف، ۲۸-۴۶؛ هود، ۱۵؛ احزاب، ۲۸؛ نور، ۶۰؛ فصلت، ۱۲-۲۵؛ صافات، ۶؛ فتح، ۱۲؛ طه، ۸۷).

## زیبا شناسی<sup>۱</sup>

شناختن زیبایی، و آن رشته‌ای است از روانشناسی؛ هدف زیبا شناسی، شناسانیدن جمال و هنر است و آن درباره مجموعه انفعالات و احساسات درونی و زیبایی و زشتی و هزل و فکاهت و غیره گفتگو کند؛ علم الجمال<sup>۲</sup> (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، ذیل واژه).

## انواع زیبایی

۱- زیبایی مطلق؛ جز ذات خدا، نمونه دیگری ندارد؛ خدا نمونه و کانون تمام زیبایی‌های موجود است. چنان که طرفداران فلسفه نوافلاطون می‌گفتند، خدا زندگی کامل و لایتناهی و منبع و کانون زندگی است.

۲- زیبایی آرمانی؛ عبارت است از ادراک نبوغ بشری که موجودی را چنان که باید باشد (نه چنان که در طبیعت یافت می‌شود) در نظر می‌گیرد؛ یعنی موجودی را که شامل جمیع کمالات ممکن باشد، در آئینه روان مجسم می‌کند.

۳- زیبایی طبیعی؛ همان زیبایی است که در طبیعت یافت می‌شود و می‌توان آن را به سه نوع تقسیم کرد:

الف - زیبایی جسمی اشکال محسوس؛ مانند چهره زیبا.

ب - زیبایی عقلی؛ مانند فکر زیبا یا تصور عالی.

ج - زیبایی اخلاقی؛ مانند رفتار بزرگوارانه و نجیب.

۴- زیبایی هنری؛ این زیبایی را بشر خود می‌آفریند و معنی و مفهوم یک زیبایی آرمانی را که درباره آن تأمل و تعمق کرده است، به شکل محسوس نمایان می‌کند، مانند یک قطعه موسیقی، شعر یا مجسمه (منوچهریان، ۱۳۶۱، ص ۲۳).

«تمایل به زیبایی و احساس هنری انسان، سبب پیدایش شاخه‌های گوناگون هنر در فرهنگ بشر شده و اسلام نیز آن را پذیرفته و حتی بخشی از اعجاز قرآن کریم بر اساس

---

۳- Z. \_Senas

۱- Esthetiaue

هنر و زیبایی پایه‌ریزی شده است. البته هنر باید در خدمت تعقل و حقیقت باشد، نه ابزاری برای تشویق آن» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۹).

## مفردات مشابه زینت

**الف - جمال؛** یعنی رونق، حسن، خوبی، **ولکم فیها جمال؛** «و برای شما در آنها رونق و تجملی هست» (شوشتری، ۱۳۷۴، ص ۱۵۳؛ نحل، ۶)، در مفردات می‌خوانیم جمال؛ یعنی حسن و زیبایی بسیار و بر دو نوع است:

اول - آن گونه زیبایی که ویژه جان و بدن و فعل و کار انسان است.

دوم - زیبایی در سایر پدیده‌های عالم غیر از انسان، و بر این وجه از پیامبر (ﷺ) روایت شده است که «ان الله جمیل یحب الجمال» که هشدار و آگاهی است بر اینکه خیرات زیاد، از خداوند افاضه می‌شود و خدا کسی را که به این صفت، یعنی منشأ خیرات متصف باشد، دوست می‌دارد<sup>۱</sup> (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۱۱).

ابن سیده گوید جمال، به معنای نیکوی در کار و آفرینش است؛ و جُمّال؛ با جمال‌تر از جمیل است (ابن منظور، ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۴۶۲).

## آیا جمال دوستی از شاخه‌های لذت طلبی است؟

یکی از شاخه‌های لذت طلبی، علاقه به جمال و جمال دوستی است که از شعب مختلفی تشکیل می‌شود:

الف- جمال طبیعی یا جمادی؛ مثل دیدن کوه، دریا، چشمه‌ساران، آسمان، ستارگان، ماه و خورشید.

ب- جمال گیاهی یا نباتی؛ مثل مناظر زیبای گلستانها، بوستانها، باغهای سرسبز و پر از میوه‌های رنگارنگ و جنگلهای خرم سر به فلک کشیده.

پ- جمال حیوانی یا انسانی؛ که خلقت در آنها به اشکال مختلف، زیباست.

ت- جمال عقلی؛ که قوه عاقله آن را، از نظم و انتظام و کمال موجودات، درک می‌کند.

---

۱- لطفاً جهت کسب اطلاعات بیشتر به مقاله «معنای زینت در قرآن» از نگارنده، پیرامون شواهد قرآنی در این زمینه مراجعه شود.

ث- جمال عرفانی؛ با این بینش همه هستی زیباست و هر موجودی که کاملتر است از بهره وجودی بیشتری برخوردار خواهد بود و انسان از درک آن، بیشتر لذت می‌برد.  
ج - جمال ذات الهی؛ جمال را حتی به ذات الهی هم نسبت می‌دهیم و کسانی که مشاهدات توحیدی دارند، یک باب از مشاهداتشان به اسماء و صفات جمال الهی مربوط می‌شود (مصباح، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۱).

شوشتی می‌گوید: جمال بر سه نوع است:

الف- جمال تن (که در نظر یکی خوش جلوه کند).

ب- جمال فکر و عقیده.

ج- جمال معلومات و دانش.

هرکس نظر و سلیقه مخصوص و وجدان خاص دارد و حسن مطلوب، به اندازه نظر و سلیقه و تمایل و معلومات طالب است و برخی اوقات، کار بد در نظر یکی خوب و زیبا جلوه می‌کند و او به آن دلخوش است (شوشتی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴-۲۱۵).

### تفاوت زینت با جمال

تفاوت ظریفی بین این دو وجود دارد؛ زینت امر عارضی، خارج از ماهیت شیء است که به واسطه پیرایش و آرایش با آن شیء زیبایی ایجاد می‌شود. اما جمال در ماهیت و ذات شیء است، مثلاً گفته می‌شود؛ این شخص، خود به خود و به طور طبیعی زیباست که به آن «جمیل» یا «جمیله» گویند. بنابراین، ملاک عمل در آن دو یکی است و آن نمایاندن زیبایی‌هاست.

: به معنای زیور، زینت، حلی (ح ل ی) زیورها، زینت‌ها (عمید، ۱۳۷۴، ج ۲، ذیل واژه). در مفردات آمده است. حلی، یعنی زیور آلات و لفظش مثل تدی و تدی است و می‌گویند حلی و یحلی - یعنی با زیور پیراسته و زینت شد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۲۸). حلی - (حَلَى - حَلِياً) المَرَأة: به زن زیور آلات داد، زن را آرایش کرد. تَحَلَّى - آرایش کرد، زیور آلات پوشید. (الحلی) ج حُلَى و (أَلْحَلَّیْهِ) ج حَلَى و حُلَى بر غیر قاعده:

زیور آلات (حلیه انسان) رنگ و رخسار و شکل ظاهری انسان (بندر ریگی، ۱۳۷۱، ذیل واژه؛ این منظور، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۱۴۸).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید **تستخرجوا منه حلیه تلبسونها**؛ «از زیورهای آن استخراج کرده، تن را بیاراید»<sup>۱</sup> (نحل، ۱۴).

: مزین کرد، سخنی را که خوش نبود، خوشنما نمود؛ **سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ**؛ «بر آنها خوب وانمود و آنها را مهلت داد» (شوشتری، ۱۳۷۴، ص ۲۳۴؛ محمد، ۲۵؛ قریشی، ۱۳۷۸، ج ۳ و ۴، ص ۳۵۶).

صاحب معجم گوید سَوَّلَ به معنای آنست که برای او چیزی را مُزین کرد و وجودش را زینت بخشید (احمد بن فارس، بی‌تا، ص ۴۱۷).

التَّسْوِيلُ: جلوه دادن چیزهایی که نفس بر آنها حریص است و تصویر نمودن قبح و زشتی برای او به صورت حسن و خوبی است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸۵؛ این منظور، ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۳۷۱).

**سَوَّلَ لَهُ الشَّيْطَانُ**؛ «شیطان فریبش داد، عمل بد را در نظرش زیبا جلوه داد» (بندر ریگی، ۱۳۷۱، ذیل سَوَّلَ)

**ان الذين ارتدوا على أديارهم من بعد ما تبين لهم الهدى الشيطان سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَى لَهُمْ**؛ «آنان که بعد از بیان شدن راه هدایت بر آنها، باز به دین پشت کرده و مرتد شدند، شیطان، کفر را در نظرشان جلوه گر ساخت و با آمال و آرزوهای دراز، فریبشان داد» (محمد، ۲۵).

: (ژر) به معنای زر، زیور، نقش و نگار، خوبی و زیبایی چیزی، سخن بیهوده و به دروغ آراسته، جمع آن زخارف می‌باشد (عمید، ۱۳۷۴، ج ۲، ذیل واژه).

ابن منظور گوید: زخرف به معنای زینت و کمال حسن چیزی است (ابن منظور، ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۱۷۶).

۱- آیات کریمه‌ای که بر معنای حلیه دلالت دارند: (انسان، ۲۱؛ کهف، ۳۱؛ حج، ۲۳؛ فاطر، ۲۲-۱۲؛ رعد، ۱۷؛ زخرف، ۱۸؛ اعراف، ۱۴۸). جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به «معنای زینت در قرآن» نویسنده.  
۱- آیات شریفه قرآن کریم که بر معنای سَوَّلَ دلالت دارند: یوسف، ۸۳-۱۸؛ طه، ۹۶.



صاحب مفردات گوید: زخرف زینت و آرایشی زرین و طلایی را گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۹).

خداوند حکیم در قرآن کریم یک سوره را بدین نام اختصاص داده است. **یوحی بعضهم الی بعض زخرف القوان غرورا** «بعضی از آنان با سخنانی بیهوده و فریبا به وسوسه برخی دیگر می پردازند» (انعام، ۱۱۲).

: به معنای رونق، جامه زینتی (در اصل بال پرنده) و تجملات خانه از فرش و غیره را گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲۳).

ارتیاش = خوشوقت شدن؛ **یواری سواتکم و ریشاً و لباس التقوی** «جامه‌ای که عورت‌های شما را بپوشد و جامه تجملی و جامه پرهیزگاری» (شوشتری، ۱۳۷۴، ص ۲۰۴؛ اعراف، ۲۶). صاحب معجم مقاییس گوید:

**«ریش الرءاء والباء والشین اصلٌ واحدٌ یُد علی حسن الحاله و ما یکتسب الانسان من خیر»** (احمدبن فارس، بی تا، ص ۴۱۳).

(آریش) جمع آن رِیاش و آرایش، پَر مرغ و پرنندگان، لباس فاخر تجملی و گرانتقیمت (ابن منظور، ۱۹۹۷، ج ۳، ص ۱۵۶؛ بندر ریگی، ۱۳۷۱، حرف ر). در نهج البلاغه «رِیاش» به معنای لباس فاخر آمده است: **«البسکم الرِیاش و اسبغ علیکم العماش»** (نهج البلاغه، خطبه ۸۱-۱۸۰). خداوند در قرآن کریم می فرماید:

**یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سواتکم و ریشاً و لباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلکم یدکرونها** «فرزندان آدم، برای شما لباس فرو فرستادیم که هم زشتیهایتان را پوشاند و هم زینت شما باشد و جامه تقوی نیکوتر است و هم از آیات الهی است، باشد که پند گیرند» (اعراف، ۲۶). واژه ریش فقط یکبار در قرآن کریم بیان شده است.

«ریش» به معنای هر پوششی است که مایه زینت و جمال باشد، این کلمه، در اصل لغت به معنای پر مرغان است، و به اعتبار اینکه پر مرغ مایه زینت است در غیر مرغ نیز استعمال می شود، و چه بسا به اثاث خانه و متاع آن نیز اطلاق شود (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۹۵).

واژه‌گانی که بیان آن در مفردات مشابه گذشت، در واقع به معنای زینت می‌باشند که برخی مواقع در متون فقهی و قرآنی به جای واژه زینت به کار می‌روند. به عنوان نمونه در لمعتین پیرامون زینت مساجد آمده است، **(و یحرم زخرفتها) و هو تشها بالزخرف...**؛ «زخرف کاری در مساجد؛ یعنی با طلا نقاشی و زینت دادن، حرام است».

و صاحب تحریرالوسیله در مورد ساتر و لباس مردان، در نماز و غیر آن می‌گوید نباید از جنس طلا باشد، اگر چه زینت برای آنان باشد **«... ولو كان حلیاً كالخاتم ونحوه...»**. بنابراین واژه اَزَّيْنَتْ از باب تَفَعَّلَ به معنای زینت و آراسته شدن می‌باشد و این واژه فقط یک بار در قرآن کریم آمده است **اِذَا خَذتِ الْاَرْضُ زَخْرَفَهَا وَاَزَّيْنَتْ**؛ «زمین زیور خود را اخذ کرد و آراسته شد» (یونس، ۲۴).

## زینت در روایات

۱- فضیل بن یسار گوید: از امام جعفر صادق (ع) پرسیدم، آیا دو بازوی زن از زینت است که خدا فرمود **«ولا یبدین زینتهن الا لبعولتهن؛ قال نعم و مادون الخمار من الزینه و مادون السوارین»**؛ «یعنی آنچه روسری آن را می‌پوشاند (از سر و گردن) بالاتر از دو دستبند، از زینت است». در این روایت موی سر، بازوها و غیره مصداق زینت‌اند.

۲- زراره از حضرت امام صادق (ع) در مورد **آلا ما ظهر منها** پرسید؛ حضرت فرمود **«الزینه الظاهره الکحل و الخاتم»**؛ «زینت ظاهر سرمه چشم و انگشتر است».

۳- ابوبصیر از آن حضرت در مورد آیه **«ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها»** پرسید، حضرت فرمود: **الخاتم و المسکه...**؛ «انگشتر و دستبند (زینت ظاهرند)» (کافی، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۲۱). بنابراین منظور آیه زیور و زینت طبیعی می‌باشد؛ یعنی، مواضع زینت مراد است. در روایت دیگری راوی از امام (ع) پرسید؛ کدام قسمت از بدن نامحرم را، مرد ببیند، اشکال ندارد. فرمود: چهره و دو دست تا میچ و دو پا تا میچ.

---

۱- آیات کریمه‌ای که بر معنای زخرف دلالت دارند؛ اسراء، ۹۳؛ زخرف، ۳۵؛ یونس، ۲۴ جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به «معنای زینت در قرآن» نویسنده

روایات دیگری بدین مضمون وارد شده که به جهت کثرت مطالب، از نگارش آن خودداری می‌گردد.

### زینت به واسطه طلا و البسه حریر

احکام تکلیفی در متون فقهی، بیانگر آن است که استعمال طلا و پوشیدن لباس حریر، برای مردان، مطلقاً حرام است ولی برای زنان جایز است، در صورتی که عرصه و عرضه آن را، فقط برای شوهران و محارمشان بخواهند.

سؤال اساسی اینجاست، چرا زینت کردن به واسطه طلا و پوشیدن لباس حریر و ابریشم خالص، برای مردان حرام است؟ آیا حرمت آنها فقط در هنگام ادای نماز است؟ ابتدا حرمت آنها را از منظر فقهی بیان کرده، سپس علت و چرایی آن را پی خواهیم گرفت.

### حرمت از دیدگاه فقها

از آن جا که قسمت اعظم آرای فقها مشابه هم می‌باشند، بدین منظور به دیدگاه برخی از فقهای متقدم و متأخر در این زمینه، اکتفا می‌گردد.

الف - در شرح لمعه آمده است:

**(و غیر الحریر) المحض أو الممزج علی وجه یستهلک الخلیط لتلته (للرجل و الخنثی) و استثنی منه ما لا یتیم الصلاة فیه کالتکه و التلمسوه و ما یجعل منه فی أطراف الثوب و نحوها مما لا ینزید علی أربع أصابع مضمومه أما الافتراش له فلا يعد لبساً کالتدثر به و التوسد و للركوب علیه؛** «دو شرط است در مردان و خنثایی که ساتر آنها در نماز از حریر خالص یا حریری باشد که با غیر خود بنحوی ممزوج شده که آن غیر در ضمن حریر مستهلک باشد به طوری که غیر از حریر، جنس دیگری محسوس ننماید. البته از حرمت لباس حریر، البسه‌ای که به لحاظ ناچیز بودنشان نمی‌توانند ساتر قرار گیرند، مستثنا هستند، مانند تکه (بند زیر جامه که سابق در لیف شلوار قرار می‌دادند) فلنسوه (عرقچین) و آنچه که از حریر در کنار عبا یا قبا به عنوان زینت می‌دوختند، مشروط به اینکه عرض و پهنای آن از چهار انگشت بسته بیشتر نباشد. اما روی فرش حریر نماز خواندن یا بالا پوش حریر برداشتن یا تکیه بر بالش حریر

دادن و یا بر زین حریر روی دابه نشستن و همان جا به واسطه عذری از اعذار، نماز خواندن به ملاحظه اینکه استعمال این امور، از لبس نمی‌باشد، بدون اشکال است» (شهیدین، ۱۴۱۷ هـ، ج ۱، ص ۹۰).

ب - صاحب شرایع می‌گوید:

**لا یجوز لبس الحریر المحض للرجال، ولا الصلاه فیہ الا فی الحرب و عند الضروره کالبرد المانع من نزعه، یجوز للنساء مطلقاً** «پوشیدن لباس حریر خالص برای مردان جایز نیست و نماز با آن باطل است، مگر در جنگ و هنگام ضرورت، مثل سرمایی که مانع از کندن آن باشد. و اما پوشیدن لباس حریر برای زنان، مطلقاً جایز است» (الحلی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲، ص ۵۹).

پ - در عروه الوثقی می‌خوانیم:

**فی شرایط لباس المصلی الخامن: أن لا یکون من الذهب للرجال، ولا یجوز لبسه لهم فی غیر الصلاه** **أیضاً، ولا فرق بین أن یکون خالصاً أو ممزوجاً بل الأقوی اجتناب الملحم بهو المذهب بالتمویه و الطلی إذا صدق علیه لبس الذهب، ولا فرق بین ما تتم فیہ الصلاه و ما لا تتم، کالخاتم و الزر و نحوهما...»** شرط پنجم از شروط لباس مصلی آن است که برای مردان از طلا نباشد و همچنین برای مردان پوشیدن طلا، در غیر نماز هم جایز نیست و فرقی ندارد از اینکه لباس، طلای خالص باشد یا مخلوط و ممزوج، بلکه نظر اقوی آن است که از لباس بافته شده به طلا و آب داده شده و مالیده شده به آن، زمانی که لبس و پوشیدن طلا، بر آن صدق می‌کند، اجتناب نماید و فرقی ندارد، در حرمت پوشیدن لباس طلا، بین آن لباسی که نماز به واسطه او تمام است یا نیست. (یعنی پوشش در نماز دارد یا ندارد) همانند انگشتر، دکمه و مثل آن دو» (سید محمد کاظم، ۱۳۹۷ هـ، ص ۱۸۸).

**السادس: أن لا یکون حریراً محضاً للرجال، سواء کان ساتراً للموره او کان الساتر غیره... بل یحرم لبسه فی غیر حال الصلاه أیضاً إلا مع الضروره لبرد أو مرض، حال الحرب، الخ (السید کاظم، ۱۳۹۷ هـ، ص ۱۸۸).**

ت - فتوای حضرت امام خمینی در تحریر الوسیله:

۱- و فیما لا یتم الصلاه فیہ منفرداً، کالتکه و القلنسوه تردد، و الأظهر الکراهیه. و یجوز الركوب علیه و افترشه علی الاصح. و یجوز الصلاه فی ثوب مکفوف به. و اذا مزج بشی مما یجوز فیہ الصلاه، حتی خرج عن کونه محضاً، جاز لبسه و الصلاه فیہ، سواء کان اکثر من الحریر أو أقل منه (همو).

فی شرائط لباس المصلی؛ الرابع: أن لا يكون الساتر بل مطلق للباس من الذهب للرجال فی الصلاة ولو كان حلیاً كالخاتم ونحوه، بل یحرم علیهم فی غیرها أيضاً؛ الخامس: أن لا یكون حریراً محضاً للرجال، بل لا یجوز لبسه لهم فی غیر الصلاة أيضاً؛ نعم الثوب المنسوج من الابریسم المفتول بالذهب یحرم لبسه، كما لا تصح الصلاة فیهِ، «أنکه ساتر مردان، بلکه هر گونه لباسشان در نماز نباید از طلا باشد، اگرچه زینت آنان باشد، مثل انگشتر و مانند آن، بلکه در غیر نماز هم برای آنها حرام است... لباس مردان ابریشم خالص نباشد، حتی پوشیدن آن برای آنان در غیر نماز، هم جایز نیست... پوشیدن لباسی که از تاییده ابریشم و طلا بافته شده، حرام است؛ همان گونه که نماز در آن صحیح نیست» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۶۴).

ث - در اجوبه الاستفتاءات آمده است:

«زینت کردن به طلا همانند، پوشیدن لباس طلا باف، آویختن زنجیر طلا به سینه، انگشتر یا حلقه طلا بدست کردن، ساعت مچی طلا به دست بستن حتی به صورت اختفاء و بنا بر احتیاط واجب، استعمال عینک طلا، استعمال ظروف نقره‌ای به قصد غذا خوردن و آشامیدن، و پوشیدن لباس با ابریشم خالص (چه تمام آستر باشد یا مقداری از آن) برای مرد حرام و همچنین نماز خواندن با آن باطل است» (نخامنه‌ای، ۱۳۸۱، ص ۹۰).

مگر در صورت ندانستن یا نسیان و یا استفاده طبی از آن (طلا) که در فقه احکام دیگری بر آن مترتب است.

زینت دادن مساجد به واسطه طلا چه حکمی دارد؟

**(و یحرم زخرفتها) و هو نقشها بالزخرفه الذهبیه او مطلق النقش كما اختاره المصنف فی الذکری**  
(شهبانلی، ۱۴۱۷هـ، ج ۱، ص ۹۴).

زخرف کاری مساجد حرام است. مقصود از زخرف ممکن است دو چیز باشد:

- ۱- مسجد را با طلا نقاشی و زینت دادن.
- ۲- مطلق نقاشی چه با طلا و چه با غیر آن، چنانچه مرحوم مصنف در «ذکری» اختیارش همین است.

## زینت مردان

آنچه از دیدگاه فقها بیان شد، مبین آن است که زینت به واسطه طلا و لباس حریر، برای زنان مطلقاً جایز ولی برای مردان حرام است.

پس زینت و زیبایی مردان چیست؟ و علت حرمت طلا و لباس حریر کدام است؟ در پی این محرومیت، از سوی شارع مقدس، چه حکمت و پاداشی برای مردان مترتب است؟ صفات زینت و زیبایی در مردان، اغلب مشترک با زنان است، اما برخی ویژگی‌های موجود، قابل تأمل است؛ اخلاق نیکو و پسندیده داشتن، عفت در نگاه و پاکدامنی، خوش تیپ و خوش قیافه بودن، خود را با عطر خوشبو و معطر ساختن، انگشتر عقیق جهت ثواب و زینت به دست داشتن و همچنین طلای سفید و پلاتین جهت زینت، لباس تمیز و سر و وضع مرتب و آراسته داشتن و ... از خصایص بارز و ممتاز زینت در مردان است.

در روایات متواتر آمده است که نبی مکرم اسلام (ﷺ) به عنوان معلم تعلیم و تربیت، هنگامی که در جمع مسلمانان حضور می‌یافتند و یا حتی برای دیدار یک نفر می‌رفت با سر و صورت مرتب و آرایش کرده بودند، و اگر آینه‌ای هم نبود، در آب صاف و زلال سر و وضع خودشان را مرتب و منظم می‌نمودند، تا ژولیده و آشفته نباشند. آن حضرت علاقه وافری به عطر و بوی خوش داشتند؛ در احادیث فراوانی آمده است که معظم له، یک سوم از مخارج سالانه خود را برای تهیه عطر هزینه می‌کردند.

این وضع مطلوب در زینت، سبب می‌شود تا دیگران در گفتگو و معاشرت با انسان لذت ببرند و این موارد در حقیقت تأمین‌کننده یکی از اهداف عمده اسلام است.

**یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد؛** «فرزندان آدم، به هنگام حضور در مساجد (و شرکت در اجتماع مسلمین) زینت خود را بگیرید» (عراف، ۳۱).

زینت در آیه مطلق است، یعنی شامل آراستگی ظاهری و هم آرایش معنوی است. در تفسیر نمونه آمده است: «آنان که در دنیا ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند در بهشت زیباترین لباسهایی را که در دنیا از آن محروم بودند، در تن می‌کنند و دستبندهای جواهرنشان در دست دارند. اگر در این جهان، از پوشیدن این گونه لباسها و زینتها،

ممنوع بودند به خاطر آن بود که سبب (تراحمات مادی و اجتماعی) و مایه غرور و غفلت می‌شد و سبب محرومیت گروه دیگر می‌گشت».

ولی در آن جا (بهشت) که این مسائل مطرح نیست، این ممنوعیتها برداشته می‌شود و جبران می‌گردد. البته با توجه به اینکه الفبای زندگی در آن جهان، با دنیا متفاوت است، این الفاظ مفاهیمی برتر و بالاتر از آنچه ما در این جهان می‌اندیشیم، خواهد داشت. مؤمنان در این جهان، ظاهرشان را به انواع خیرات آراستند و خداوند نیز در جهان دیگر که جهان تجسم اعمال است، ظاهرشان را، به انواع زیورها می‌آراید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۵۷ و ۲۶۹).

### **تفاوت زینت و حکم در مردان و زنان و فلسفه عدم تشبیه**

به جهت اینکه زن مظهر جمال و زینت و زیبایی است و اصلاً زینت با زن عجین است، تأکید شریعت بر آنست که زن، آنچه در توان دارد، بر زینت و زیبایی خویش افزوده و آن را به شوهر و محارم خود عرضه نماید که سبب دوام و پایداری در زندگی است. از آن جا که زینت و زیور ملکه زنان است، این بدان معنا نیست که مردان فاقد زینت و زیبایی‌اند، همان طوری که در مبحث زینت مردان بیان شد، زینتهای فراوانی را شریعت برای مردان برگزیده است. اما ممنوعیت و محرومیت از برخی زینتها در دنیا به سبب تراحمات مادی و اجتماعی آن است، مردان در استفاده از طلا و پوشش با لباس حریر، ممنوعیت دارند، ولی به پاس همین محرومیت در دنیا که مرحله امتحان و آزمایش است، در آن سرای که دارای لذت جاودانه است، آنان در استفاده از طلا و لباس حریر و فاخر بهشتی، حظ وافری خواهند برد.

در اسلام به مردان و زنان، تکلیف شده است که هر کدام زینت و زیور مخصوص خویش را برگزیده و خود را بدان مزین کنند و از تشبیه پرهیز نمایند. زیرا، تشبیه در حقیقت نوعی بی‌هویتی فرهنگی و اخلاقی است و همواره در شرع مقدس مورد لعن و نفرت واقع شده و حتی عرف عام که به بنای عقلا نزدیکتر است، آن را مورد مذمت و نکوهش قرار داده است. زیرا اصل در زیبایی خلقت، آن است که هر موجودی به تناسب جایگاه و موقعیت خود به انجام وظایف و مسؤولیت‌های انسانی خود بپردازد و اصل

تشابه محوری با وجود کثرات در مخلوقات و تفاوت در تکالیف و رسالتها، سازگاری ندارد. در غیر این صورت لازم می‌آید هر موجودی از شاکله و هویت اصلی خویش منتزع شود که در این صورت نه می‌تواند وظایف خود را بدرستی به منصفه ظهور برساند و نه می‌تواند وظیفه جنس مشابه را محقق سازد، چون با خمیر مایه جنسی او متفاوت است. تشبیه در لغت به معنای شبیه شدن، خود را مانند دیگران نمایاندن و شبیه دیگران بودن می‌باشد.

در اصطلاح فقه به این معناست که برای مردان پوشیدن لباس حریر و آراسته کردن خویش به طلا، حرام است و آنچه از پوششی که به زنان اختصاص دارد؛ مثل دستبند طلا، خلخال و لباس زنانه برای زینت، برای مردان حرام می‌باشد. و همچنین عکس آن نیز صادق است، یعنی آنچه که به مرد اختصاص دارد، زن بپوشد؛ مثل کمر بند (شال)، عمامه و... حرام است.

از کافی و علل الشرایع حکایت شده است، **لعن... المتشبهین من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال...**؛ «خداوند متشبهین و متشبهات را، مورد عتاب قرار داده است؛ یعنی مردانی که به کسوت زنانه، و زنانی که به کسوت مردانه درآیند، مورد لعن و نفرت خداوند قرار می‌گیرند».

روایت شده است که حضرت علی (علیه السلام) مردی را با پوشش زنانه در مسجد رسول الله مشاهده کرد، به او فرمود: از مسجد رسول خدا خارج شو!

حکایات و روایات دیگری که در این خصوص وارد شده، مؤید این حقانیت است (انصاری، ۱۳۷۵، ص ۲۲). که در متون فقهی کراراً بدان اشاره رفته است.<sup>۱</sup>

---

۱- المسأله الثانيه تزيين الرجل بما يحرم عليه من لبس الحرير و الذهب حرام لما ثبت في محله من حرمتها على الرجال و ما يختص بالنساء من اللباس كالسوار و الخلل و الثياب المختصه بهن في العادات على ما ذكره في المسالك و كذا العكس اعني تزيين المراه بما يختص بالرجال كالمنطقه و العمامه و يختلف باختلاف العادات و اعترف غير واحد بعد العثور على دليل لهذا الحكم عبدالنبي المحكي عن الكافي و العلل لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال و في دلالة قصوران من التشبه تانث الذكر و تذكر الانثى لا مجرد لبس احدهما لباس الاخر مع عدم قصد التشبه و يويده المحكي عن العلل ان علياً (عليه السلام) رأى رجلاً به تانث في مسجد رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال له اخرج من مسجد رسول الله (صلى الله عليه وآله) فاني سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآله) يقول لعن الله الخ و في روايه يعقوب بن جعفر الوارده في المسالحه ان فيهن قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لعن الله



## آیا زیر ابرو برداشتن مردان به عنوان زینت حرام است؟

زیر ابرو گرفتن فی نفسه حرام نیست، مگر حالت و آرایش زنانه پدید آید که در این صورت، مطابق اصل تشبیه، چنین فعلی حرام است. و حتی از منظر عرف عام «که به بنای عقلا نزدیکتر است»، چنین اعمالی را، عرف فاسد می‌داند» (فیض، ۱۳۶۹، ص ۲۰۰).

## معیار لباس شهرت چیست؟

لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن برای شخص، به خاطر رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودن آن و عللی دیگر مناسب نیست، به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد، توجه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می‌شود.

آیا پوشیدن چیزی که مخصوص زنان است توسط مردان و برعکس، در خانه بدون قصد تشبیه به جنس مخالف، جایز است؟  
«تا زمانی که آن را به عنوان لباس برای خود انتخاب نکرده باشند، اشکال ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱، ص ۳۰۴ - ۳۰۵).

## لنز در چشم گذاشتن بعنوان زینت، از نظر شرعی چه حکمی

دارد؟

اولاً- نفس لنز در چشم نهادن، جهت زیبایی، از دیدگاه فقهی حرمتی بر آن نیست.

---

المتشبهات بالرجال من النساء الى اخر و في رواية ابي خديجه عن ابي عبدالله عليه السلام لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم المتشبهين من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال و هم المخنثون و اللاتي ينكحن بعضهن بعضا نعم في رواية سماعه عن ابي عبدالله عن الرجل يجز ثيابه قال اني لا اكره ان يتشبه بالنساء و عنه عليه السلام عن ابائه عليهم السلام كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يجزر الرجل ان يتشبه بالنساء و ينهي المراه ان تتشبه بالرجال في لباسها و فيهما خصوصا الاولى بقرنيه المورد ظهور في الكراهه فالحكم المذكور لا يخلو عن اشكال ثم الخنثى يجب عليها ترك الزينتين المختصتين بكل من الرجل و المراه كما صرح به جماعه لانهما يحرم عليهما لباس مخالفها في الذكوره و الانوثة و هو مردد بين اللبسين فتجتنب عنهما مقدمه لانها من قبيل المتشبهين المعلوم حرمة احدهما و يشكل بناء على كون مدرک الحكم حرمة التشبه بان (الظ) عن التشبهه صوره علم المتشبهه.

ثانیاً- نماز خواندن با آن اشکالی ندارد، مگر برای مردان که نباید، آلیاژ آن، از جنس طلا یا ممزوج با آن باشد.

ثالثاً- در صورتی که آن شیء (لنز) در چشم ایجاد عفونت و بیماری نماید، از آن جا که این عمل، ضرر به جسم و جان انسان می‌باشد، حرمت بر آن مترتب است، زیرا ظلم به نفس حرام است، خداوند می‌فرماید:

**وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛** «هر کس از حدود الهی تجاوز کند بر خویش ستم کرده است» (طلاق، ۱).

و همچنین در قرآن کریم، آیات فراوانی با مضامین و مفاهیم مختلف، در مورد ظلم به نفس آمده است.<sup>۱</sup>

**قال المهدی: کَلِمَا يَضُرُّ بِالْبَدَنِ فَهُوَ حَرَامٌ؛** «حضرت مهدی (عج) می‌فرماید هر چیزی که به بدن ضرر می‌رساند، حرام است» (شهید ثانی، ۱۴۱۷ هـ، ج ۲، باب اطعمه و اشربه).

بنابراین، لاضرر و لا ضرار فی الاسلام.

## احکام نگاه و تأثیر آن در روابط اجتماعی

زنان مکلفند زیبایی و زینت خویش را از نگاه مردان اجنبی (نامحرمان) بپوشانند و هم چنین مردان هم موظفند از نگاه با ریه، چشم از زنان نامحرم پیراسته نگه دارند؛ زیرا «نگاه به نامحرم تیری از تیرهای زهرآلود شیطان است» (الحرالعامی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۴، ص ۳۸).

## دیدگاه فقها

### الف- رخصت نگاه

**ويجوز النظر الى وجه امرأة يريد تكاثرها لم يستأذنها بل يستحبه ويختص الجواز بالوجه والكفين، و ينظرها قائمه و ماشيه، و روی جواز النظر الى شعرها و محاسنها ؛** «مرد می‌تواند (بدون ریه) به صورت زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، (به جمال و زیبایی او) نگاه کند، اگرچه از او

۱- بقره، ۲۱۳، ۵۷، ۵۴؛ آل عمران، ۱۱۷، ۱۳۵؛ اعراف، ۲۳، ۶۰؛ یونس، ۴۴، ۵۴، ۱۰۱؛ نساء، ۶۴، ۹۷؛ ابراهیم، ۴۵؛ النحل، ۲۸؛ سبأ، ۱۹؛ توبه، ۷۰؛ عنکبوت، ۴۰؛ هود، ۱۰۱؛ روم، ۹؛ کهف، ۳۵؛ فاطر، ۳۲.

اجازه نگیرد، بلکه این کار مستحب است، البته تنها می‌تواند، صورت و دو کف دستهای او را ببیند، و همچنین به زن در حالی که ایستاده و در حال حرکت است، نگاه کند، و در روایت آمده است که نگاه به موها و محاسن زن نیز بلامانع است» (شهید اول، ۱۴۱۱هـ، ص ۱۶۰).

**و ينظر الرجل الى مثله وان كان شاباً حسن الصورة لا لريبه ولا تلذذ؛** «مرد می‌تواند به همجنس خود، گرچه جوانی خوش سیما باشد، نگاه کند، البته نباید نگاه او از روی ریه و همراه با لذت باشد» (همو).

**ولا ينظر الى الأجنبية الامره من غير معلومه الاضروره كالمعامله والشهاده والعلاج؛** «مرد نباید به زن بیگانه بیش از یک بار نگاه کند و اعاده نظر جایز نیست، مگر در موارد ضروری مانند معامله کردن، گواهی دادن و درمان کردن» (شهید اول، ۱۴۱۱هـ، ص ۱۶۰).

**وكذا يحرم على المراه أن تنظر الى الاجنبى او تسمع صوته الاضروره وان كان أعمى؛** «و همچنین بر زن، نگاه کردن به مرد بیگانه (با حالت ریه) یا شنیدن صدای او حرام است، جز در موارد ضرورت، حتی اگر مرد نابینا باشد» (همو).

## ب - محاسن نگاه

صاحب شرایع می‌گوید:

**يجوز ان ينظر الى وجه امراه يريد نكاحها وان لم يستأذنها، ويختص الجواز بوجهها وكنفها، وله ان يكرر النظر اليها وان ينظرها قائمه و ماشيه و روى: جواز ان ينظر الى شعرها محاسنها وجسدها من فوق الثياب كذا يجوز ان ينظر الرجل الى مثله ما خلا عورتها، شيخاً كان او شاباً، حسناً او قبيحاً، ما لم يكن النظر لريبه او تلذذ. وكذا المراه؛** «جایز است، نگاه کردن به روی زنی که می‌خواهد او را نکاح کند، هر چند از آن زن اذن نخواهد. و این جواز نظر اختصاص به صورت و به دو دست او دارد؛ یعنی ظاهر و باطن آنها تا بند دست. و نظر کردن به سوی آن را می‌تواند، مکرر انجام دهد، و او را در حالت ایستاده و وقت راه رفتن ببیند (زن می‌تواند زینت و زیبایی مرد را نیز اینچنین ببیند)» (الحلی، ۱۴۰۸هـ، ج ۱ و ۲، ص ۲۱۲-۲۱۳).

جایز است که مرد به سوی مرد دیگری نظر کند، مگر عورت او را، خواه پیر باشد و خواه جوان، خواه نیکو روی باشد و خواه کریه المنظر، مادامی که به جهت لذت و ریبه نباشد.

روایت شده که نگاه کردن (بدون ریبه) به موی زن و محاسن او جایز است؛ یعنی گردن و ساقهای دست او که محل و مواضع زینت است<sup>۱</sup> (در غیر این صورت مرد نباید به زن بیگانه نگاه کند). و همچنین است حکم در مورد زنان نسبت به زنان دیگر.

**رجل عن ابی عبدالله قال: أینظر الرجل الی المرأه ترید تزویجها فینظر الی شعرها و محاسنها؛ قال: لا بأس اذا لم یکن متلذذا؛** «مردی به حضرت صادق عرض کرد: آیا مرد می‌تواند به زنی که قصد دارد با او ازدواج نماید، نگاه کند و مو و زیبایی‌هایش را ببیند؟ فرمود: در صورتی که در نگاه کردن، قصد لذت جویی نداشته باشد، مانع ندارد» (الحرالعاملی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۴، ص ۶۰).

### ج- نگاه در زیباترین صفات

۱- **ما ینبغی ان ینظر الی ینظر الی صفات من ترید تزویجها؛** «از چیزهایی که سزاوار است، انسان به آن اهتمام بورزد، این است که در صفات (جمال و کمال) کسی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نظر بیندازد» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۲۰).

**وعن الصادق (علیه السلام) انما المرأه قالدقه فانظر ما تتقلد و لیس للمرأه خطر لا لصالحتن و لا لطلاحتن، فاما صالحتن فلیس خطرها الذهب و الفضة، هی خیر من الذهب و الفضة، و اما طلاحتن، فلیس خطرها التراب، التراب خیر منها؛** «بدرستی که زن گردنبندی است، پس ببین چه گردنبندی به گردن می‌اندازی. و برای زن معادلی نیست نه برای شایسته آنها و نه برای بد آنها؛ پس عدل آنها طلا و نقره نیست و از طلا و نقره بهتر است و اما بد آنها، عدل آنان خاک نیست و خاک از آنها بهتر است» (الحرالعاملی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۴، مقدمات نکاح).

**و کما ینبغی للرجل ان ینظر فی من یختارها للتزویج کذاک ینبغی ذلک للمرأه و اولیائها بالنسبه الی الرجل؛** «همان طوری که برای مرد سزاوار است که دقت کند، چه کسی را برای ازدواج

---

۱- عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: لا بأس بان ینظر الی وجهها و محاسنها اذا اراد ان یتزویجها؛ «حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: مرد در صورتی که قصد دارد، با زنی ازدواج کند، می‌تواند به صورت و موضع دستبندش نگاه کند» (حرالعاملی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۴، ص ۵۹).

اختیار می‌نماید، همچنین برای زن و اولیای او هم سزاوار است که درباره مرد دقت نمایند» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۴۲۲).

۲- **یختار من کانت واجده لصفات شریفه، وأجمع خبر عن النبی صلی الله علیه وآله أنه قال: أن خیر نساکم الولود الودود الضیفه، العزیزه فی أهلها، الذلیله مع بطلها المتبرجه مع زوجها، الحصان علی غیره، التي تسمع قوله و تطیع أمره؛** «(مرد) اختیار کند، زنی را که دارای صفات شریف و شایسته باشد، و جامع‌ترین خبر از پیغمبر (ﷺ) وارد شده) که فرمود بهترین زنان شما زنی است که اولادآور، دوستدار و عقیف باشد و در بین اهل خودش عزیز و نسبت به شوهر متواضع باشد و جمالش را بر شوهر آشکار نماید، و بر غیر او محفوظ باشد، زنی که حرف او را می‌شنود و امر او را اطاعت می‌کند» (همو، ص ۴۲۰).

### آیا جمال و زیبایی در انتخاب همسر شرط است؟

جمال و زیبایی در همسر یک مزیت واقعی است و آن را نمی‌توان نادیده گرفت. مرد طبعاً دوست دارد، با زنی زیبا و دلربا ازدواج کند و همچنین زن نیز دوست دارد با مردی خوش تیپ و خوش قیافه ازدواج نماید. اسلام نیز با چنین خواسته‌ای مخالف نیست و به همین جهت به مردان اجازه می‌دهد که قبل از ازدواج همسرشان را ببینند و ببسندند و حتی در این باره تأکید و سفارش می‌کند (امینی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۱).

رسول خدا فرمود:

«خوبیها را نزد زیبارویان بجوید، زیرا صورتی که روی زیبا داشته باشد، کارهایش نیز به طریق اولی نیکو خواهد بود» (الحر العاملی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۴، ص ۳۷).

احادیث دیگری نیز بر جمال و کمال زنان دلالت دارند که مبین و مؤید این حقانیتند (همو، ص ۳۶، ۳۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱؛ مجلسی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷).

### چرا انسان از تماشای برخی انسان‌های زیبا و با زینت در دنیا منع شده است؟

به خاطر اینکه لذت تماشای آنان با کمالات دیگر انسان، تزاخم پیدا می‌کند و انسان با دنبال کردن این میل، در معرض انحراف و گمراهی قرار می‌گیرد و علتش این است که

ارضای جنسی، غالباً با مسأله زیبایی، تماس مستقیم دارد و زیبایی غالباً جزء عوامل تحریک کننده شهوت جنسی است (مصباح، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۹۷).

## وظیفه مشترکی که اسلام برای تعدیل غریزه جنسی در مورد زن و مرد مقرر فرموده است، چیست؟

وظیفه مشترکی که برای هر دو مقرر فرموده، مربوط به نگاه کردن است.

**قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهن و یحفظوا فروجهن...؛ قل للمومنات ینضرن من ابصارهن و یحفظن فروجهن...؛** «زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده و آن اینست که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده بدارند و در اجتماع به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۷، نور، ۳۰-۳۱).

بنابراین تعدیل در نگاه و اصلاح در نگرشها، در حقیقت ایجاد نوعی بهداشت روحی و روانی در برقراری روابط صحیح اجتماعی است.

## فرق دو کلمه «غض» و «غمض» چیست؟

هر دو در مورد چشم به کار می‌رود، اما غمض به معنای بر هم گذاردن پلکها بوده، با کلمه «عین» همراه می‌شود.

ولی کلمه غضّ به معنای کاهش دادن است و «غض بصر» یعنی کاهش دادن نگاه (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۳۷).

علما در تفسیر آیه ۳۰ سوره نور، در رابطه با جمله **یغضوا من ابصارهم** چه می‌گویند؟ اینکه نگاه را کاهش بدهند؛ یعنی خیره نگاه نکنند و به اصطلاح علمای اصول، نظرشان آلی باشد، نه استقلالی (همو، ص ۱۴۰).

## منظور از نگاه آلی و استقلالی چیست؟

یک وقت نگاه انسان به شخص برای برانداز کردن و دقت به خود آن شخص است؛ مانند اینکه بخواهد وضع لباس و کیفیت آرایش او را مورد مطالعه قرار دهد.

ولی در یک وقت نگاه کردن به شخصی که با او روبرو می‌شود، برای این است که با او حرف می‌زند، نوع اول نظر استقلالی است، ولی نگاه دوم که به عنوان مقدمه و وسیله مخاطبه است، نظر آلی است (ممو).

مفاد آیه «ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها...» (نور، ۳۱)، در مورد جایگاه زینت برای محارم و غیر محارم در باب چه موضوعی است؟

مفاد دستور این است که زنان نباید آرایش و زیور خود را برای غیر محارم آشکار سازند، سپس دو استثنا برای این وظیفه ذکر شده است:

الف - زینتهای آشکار زن مثل سرمه، خضاب، گلگونه، انگشتر و حلقه و مواضع آنها، از قبیل چهره و دو دست (تا مج).

ب - برای محارم که زینت ظاهر عبارت است از جای گردنبندها به بالاتر، جای بازوبند به پایین و خلخال به پایین، اما زینتی که اختصاص به شوهر دارد آن تمام بدن است (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵ و ۱۴۹).

## طبقات محارم و نوع زینت

طبق آیه ۳۱ سوره نور، آشکار نمودن زینت برای افراد ذیل جایز است:

- ۱- شوهر؛ ۲- پدر؛ ۳- پدرشوهر؛ ۴- پسران؛ ۵- پسران شوهر؛ ۶- برادران؛ ۷- پسر برادران؛ ۸- پسرخواهران؛ ۹- زنان (مراد زنان مسلمان هستند، بنابراین قول، زنان غیر مسلمان نامحرم می‌باشند و زن مسلمان باید خود را از آنها بپوشاند)؛ ۱۰- مملوکان؛ ۱۱- طفیلیانی که کاری با زنان ندارند؛ ۱۲- کودکانی که از امور جنسی بی‌خبرند یا توانایی کار زناشویی را ندارند. و همچنین بر اساس آیات ۲۲ و ۲۳ سوره نساء، طبقات دیگری از محارم را بیان فرموده که نکاح با آنان حرام است:

زن پدر، مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر، دختر خواهر، مادران رضاعی، خواهران رضاعی، مادر زن، دختران زن که در دامن شما تربیت شده‌اند، نکاح با زن غیر مدخوله که طلاق داده است، و همچنین حرام است نکاح با زن فرزندان قبلی، نکاح با دو خواهر (در یک زمان) و نکاح با زنان محصنه.

اقسام نگاه به تناسب افراد مرتبط با انسان (محارم نسبی، سببی، [نگاه زوجین] و غیر محارم).

در نمایاندن زینت به محارم فوق، مراتبی مترتب است که در شریعت قابل تأمل می‌باشد؛ یعنی آیا نگاه زوجین به یکدیگر، همان نگاه به دیگر محارم است؟ پاسخ روشن است؛ خیر. زیرا تمام بدن زن برای شوهر به عنوان زینت است، در حالی که از دیگر افراد محارم، چنین حکمی ساقط است.

در شرع مقدس اسلام حتی میان برادر و خواهر، پدر و دختر و... به عنوان محارم، در نشان دادن زینت و زیبایی خویش، حدود و ثغوری وضع شده است تا نوعی تعدیل و حفاظ برای کنترل غرایز میان محارم نیز به وجود آید.

### فلسفه عدم تزئین و نرمش زنانه برای غیر محارم

**فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛** «در سخن گفتن رقت زنانه و شهوت آلود و یا خودنمایی و خودآرایی که موجب تحریک بیمار دلان می‌گردد، به کار نبرید» (حزاب، ۳۲).

این دستور، وقار و عفاف در کیفیت سخن گفتن را بیان می‌کند؛ به طور کلی حرکات و سکناات انسان گاهی زبان‌دار است، برخی مواقع وضع لباس پوشیدن، راه رفتن، خودنمایی و آشکار نمودن زینت و زیور و سخن گفتن زن معنادار است و به زبان بی‌زبانی می‌گوید، دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن و گاهی بر عکس می‌گوید، در صورت رعایت عفاف و حجاب دست تعرض از این حریم کوتاه است.



## فلسفه ظاهر نکردن زینت و زیبایی زن مسلمان برای زنان غیر

### مسلمان چیست؟

استاد مطهری (ره) می‌گوید مراد از «نساء هن»، زنان مسلمانند که طبق روایات برهنه شدن زن مسلمان در برابر زنان یهودی یا نصرانی منع شده است. در این روایات استناد شده است به اینکه زنان غیر مسلمان ممکن است، زینت و زیبایی زنان مسلمان را برای شوهران و برادران خود توصیف کنند، در این جا مسأله‌ای وجود دارد و آن این است که برای هیچ زن مسلمانی جایز نیست که محاسن، یعنی زینت و زیبایی‌های زن دیگر را برای شوهر خود توصیف کند. وجود این تکلیف زنان مسلمان را در برابر یکدیگر تأمین می‌دهد. ولی در مورد زنان غیر مسلمان اطمینان نیست، ممکن است برای مردان خود از وضع زنان مسلمان سخن بگویند، هر چند آیه (نور، ۳۱) صراحت کامل ندارد به اینکه ظاهر کردن زینتها و زیبایی‌ها در برابر آنها حرام است. اما فقها معمولاً در این مسأله قائل به وجوب پوشش زن در برابر زنان غیر مسلمان نیستند و تنها به کراهت بی‌پوششی فتوا می‌دهند (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۱۵۱ و ۱۵۹).

امید است فقهای معظم و مکرم طبق مقتضیات زمان و مکان در مورد پوشش در این زمینه فتوایی صریح و روان ارائه فرمایند. زیرا به نظر می‌رسد، نوعی لذت جویی و نگاه با ریبه در آن مطرح باشد.

### منظور از تلذذ و ریبه چیست؟

«تلذذ» یعنی لذت بردن و نگاه از روی تلذذ یعنی نگاه به قصد لذت بردن باشد. و اما «ریبه» یعنی نظر به خاطر تلذذ و چشم چرانی نیست، ولی خصوصیت ناظر و منظور الیه، مجموعاً طوری است که خطرناک است و خوف هست که لغزشی به دنبال نگاه کردن به وجود آید (همو، ص ۱۸۲).

علامه در «تذکره الفقهاء»، کتاب نکاح، مسأله جواز و عدم جواز نظر را چگونه بیان

می‌کند؟

نظر مرد به زن یا به واسطه حاجت و ضرورت است (مانند کسی که قصد خواستگاری دارد) یا حاجت و ضرورتی در کار نیست. اگر حاجت ضرورت در کار نیست، نظر به غیر وجه و کفین جایز نمی‌باشد و اگر خوف فتنه در کار نباشد، به عقیده شیخ طوسی مانعی ندارد، ولی مکروه است.

اکثر شافعیه نیز همین عقیده را دارند، ولی به عقیده بعضی از شافعیه نظر به وجه و کفین حرام است و به عقیده ایشان (علامه) نیز نظر بر وجه و کفین حرام است (همو، ص ۲۴۷-۲۴۸).

آیت الله طباطبایی یزدی در «عروة الوثقی» راجع به مسأله پوشش در غیر نماز می‌گوید: بر زن واجب است، تمام بدنش را جز وجه و کفین از غیر محارم بپوشاند، اما در مورد نظر، نگاه مرد به زن اجنبی و بر عکس را جایز نمی‌داند (همو، ص ۲۴۹).

فتوای آیت الله حکیم، در مورد وجه و کفین:

جایز است نظر به کسی که قصد تزویج او را دارد. همچنین جایز است نظر به زنان

اهل ذمه به شرط عدم تلذذ و همچنین زنان بی‌پروا که نهی بر آنها اثر ندارد، به شرط عدم تلذذ و همچنین زنانی که محرم می‌باشند. و نظر به غیر اینها حرام است مگر به چهره و دو دست تا مچ آن، به شرط عدم تلذذ (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۲۴۹).

### تأثیر نگاه در پاکدامنی و مصلحت خانواده و اجتماع

انسان باید در نحوه و نوع نگاه اهتمام بورزد و ساختار درونی خویش را، «هر آنچه دیده بیند دل کند یاد»، را بهبود ببخشد (زینت باطنی) و با نفس خویش مبارزه کند تا آن را تعدیل نماید نه تحقیر، زیرا نفس آدمی همواره بر مبنای «حریص علی ما منع» می‌باشد. پس انسان موفق و پیروز در جهاد اکبر نگاه و نگرش او به زینت و زیورها، محتاطانه متعارفانه است. بنابراین عفت در نگاه بدون ریبه، سبب ایجاد کانون پاکدامنی و حفظ نهاد خانواده و جلوگیری از انحرافات و کجروی‌های اجتماعی خواهد شد.

اسلام به کسی اجازه نمی‌دهد تا از هر زنی، در هر محلی حداکثر تمتعات را ولو بدون زنا ببرد. زیرا مردان فقط در محیط خانوادگی و در کانون ازدواج به همراه یک سلسله تعهدات می‌توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کام‌جویی کنند و در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند، به هر صورت و به هر شکل ممنوع می‌باشند.

از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماعی می‌گردد و سبب می‌شود تا ارزش و اعتبار زن در برابر مرد بالا رود و از زن به عنوان یک بازیچه و کالای زینتی استفاده نگردد.

### ارتباط احکام نگاه و حجاب

آنچه از احکام نگاه در خلال مباحث بیان گردید، بیانگر نوعی پوشش و حجاب و آشکار نکردن مواضع زینت بخصوص از ناحیه زنان است؛ ناگفته نماند، پوشش مناسب و در خور شأن افراد هم نوعی زینت است.

استاد مطهری (ره) می‌گوید فلسفه پوشش اسلامی از یک مسأله کلی و اساسی ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد، انواع التذاذهای جنسی چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر آن به محیط خانوادگی و چارچوب ازدواج قانونی اختصاص یابد. و اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد؛ بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد. اسلام می‌خواهد این دو محیط را به طور کامل از یکدیگر تفکیک نماید.

استعمار می‌خواهد زن به بهانه تجدد و تقدم و «مقتضیات زمان» هر روز و هر ساعت با وسایلی که در دنیای سرمایه‌داری تهیه می‌شود، خود را در معرض نمایش بگذارد تا بتواند مصرف‌کننده لایقی برای کارخانه‌های اروپایی باشد، اگر زن بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف‌کننده

شایسته‌ای برای سرمایه‌داران غربی است و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاقی جوانان و ضعف اراده آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی به نفع استعمار غرب، انجام خواهد داد.

آیه «ذَلِكَ آذُنِي أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ» (احزاب، ۵۹)، بیانگر ارزش و احترام به زن است، این آیه به زنان توصیه می‌کند که خود را بیوشانند (جَلَانِيَّيْنٍ) و همین حشمت آنها، مانع مزاحمت افراد سبکسر می‌گردد. پس حجاب مصونیت است نه محدودیت (مطهری، ۱۳۷، ص ۱۰ و ۱۹-۲۰).

بر اساس آنچه در متون فقهی و اسلامی بیان شد نتیجه می‌گیریم که:

- ۱- قسمت اعظم مباحث زینت نوع تعاملات رفتاری به زنان برمی‌گردد که در چرخه فعالیت‌های اجتماعی، نقش مؤثر همراه با سلامت اخلاق جمعی را، ایفا نماید.
- ۲- اسلام برای خروج زن از خانه و تحصیل علم و دانش وی، منعی ایجاد نکرده است، بلکه کسب علم و دانش را فریضه مشترک میان زن و مرد دانسته است. و حضور اجتماعی را بر پایه ملاکات ارزشی موجب رشد فردی و جمعی می‌شمارد.
- ۳- پوشانیدن بدن به استثناء وجه و کفین مانع هیچگونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست، آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع می‌شود؛ بی‌حجابی و بدحجابی، ترویج روابط آزاد جنسی و آلوده کردن محیط کار به لذت جویی‌های شهوانی است.
- ۴- در دیدگاه فقها، حفظ حریم زینت چه در پوشش و چه در نگاه، در حقیقت پروراندن روح امید و شادابی و طراوت و پاکیزگی، در عرصه زندگی است. و موجب تدارک مصونیت و سلامت جمعی در محافل اجتماعی است.
- ۵- حفظ زینت باطنی و آراستگی ظاهری، بیانگر تقدیر و سپاس، از خالق هستی و زیبایی‌هاست. چون عظمت خلقت و حکمت خداوندیش را، در مقوله زینت و زیبایی به منصف ظهور درآورده است.
- ۶- «ادراک زیبایی و جمال، موجب محبت می‌گردد؛ یعنی انسان، زیبایی‌ها را اعم از مادی و معنوی دوست دارد و این محبت به ذات زیبایی تعلق می‌گیرد، نه به آثار و لوازم آن و منشأ درونی و فطری دارد» (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۶).



- ✓ القرآن الكريم
- ✓ نهج البلاغه
- ✓ ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، *لسان العرب*، بيروت، ناشر دارصادر، ۱۹۹۷م
- ✓ احمد بن فارس بن زكريا، *ابى الحسين*، *معجم مقاييس اللغة*، بيروت، داراحياء التراث العربى
- ✓ امينى، ابراهيم، *انتخاب همسر*، قم، چاپ و صحافى علامه طباطبايى، چاپ اول، ۱۳۶۹

- ✓ انصاری، شیخ مرتضی، *المکاسب*، تبریز، مطبعه الاطلاعات ایران، الطبعة الثانية  
۱۳۷۵
- ✓ بندر ریگی، محمد، *فرهنگ جدید عربی به فارسی*، چاپخانه لوحه، چاپ هشتم،  
۱۳۷۱.
- ✓ جمعی از نویسندگان، *فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، محل نشر دفتر همکاری حوزه و  
دانشگاه، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۴
- ✓ حرعاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۳هـ
- ✓ خامنه‌ای، سید علی، *اجوبه الاستفتاءات*، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ  
اول، ۱۳۸۱
- ✓ دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳
- ✓ دیلمی و آذربایجانی، احمد و مسعود، *اخلاق اسلامی*، قم، انتشارات معارف اسلامی،  
چاپ اول، ۱۳۷۹
- ✓ راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، *مفردات الفاظ قرآن یا تفسیر لغوی و ادبی قرآن*، ترجمه و تحقیق: سید غلامرضا خسروی حسینی، چاپخانه حیدری،  
انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴
- ✓ شوشتری (مهرین)، عباس، *فرهنگ کامل لغات قرآن*، تصحیح: عزیزا... کاسب، قم،  
چاپخانه علامه طباطبایی، چاپ سوم، ۱۳۷۴
- ✓ طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی،  
تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر و فرهنگی رجاء و  
مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳
- ✓ العاملی الجبعی، زین الدین بن علی، *الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیة*،  
قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۱۷
- ✓ العاملی، محمد بن جمال الدین مکی، *اللمعة الدمشقیة*، قم، منشورات دارالفکر، چاپ  
اول، سال ۱۴۱۱هـ

- ✓ عبدالباقی، محمد فواد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قم، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰
- ✓ عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، سپهر، چاپ سوم، ۱۳۷۴
- ✓ فیض، دکتر علیرضا، *مبایذی فقه و اصول*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹
- ✓ قریشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۷۸
- ✓ کلینی، یعقوب، *فروع کافی*، تعلیق: علی اکبر غفاری، انتشارات دارالکتب، چاپ دوم، سال ۱۳۶۲
- ✓ مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ هـ
- ✓ مصباح، محمد تقی، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۶
- ✓ مطهری، مرتضی، *مسأله حجاب*، ساری، تدوین دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۷۷
- ✓ معین، محمد، *فرهنگ فارسی (متوسط)*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۳
- ✓ منوچهریان، مهرانگیز، *زیبائی شناسی*، تهران، ناشر: احمد کرمی، چاپ سوم، ۱۳۶۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی